

مدل علی اثر شخصیت بی ثباتی هیجانی بر گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان با نقش میانجی نگرش به مصرف مواد مخدر در نوجوانان*

ایرج مختارنیا^۱، علی زاده محمدی^۲، مجتبی حبیبی^۳، فروزان میرزایی فر^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۲۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر باهدف ارائه مدل اثر شخصیت بی ثباتی هیجانی بر گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان با نقش میانجی نگرش به مصرف مواد مخدر در نوجوانان انجام شد. **روش:** روش پژوهش، توصیفی و از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری در این پژوهش، دانش‌آموزان شهرستان قدس استان تهران در سال تحصیلی ۹۴ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، تعداد ۶۴۴ نفر از آن‌ها انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های پنج‌عاملی بزرگ شخصیت نوجوانان، گرایش به رفتارهای پرخطر و نگرش به مصرف مواد مخدر را پاسخ دادند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد مدل مفهومی پژوهش دارای شاخص‌های برازش مناسبی با داده‌ها می‌باشد ($\chi^2/df = 2/56$)، $CFI = 0/98$ ، $RMSE = 0/049$ ، $GFI = 0/96$). در این مدل تمامی مسیرهای مستقیم، غیرمستقیم و کلی برای پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر معنی‌دار به دست آمد؛ همچنین نگرش به مصرف مواد مخدر در رابطه با بی‌ثباتی شخصیتی و گرایش به مصرف مواد مخدر نقش میانجی داشت. **نتیجه‌گیری:** در پژوهش حاضر نشان داده شد چگونه عوامل درون فردی در یک مدل بر گرایش به انواع رفتارهای پرخطر در نوجوانان تأثیر می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: شخصیت بی‌ثباتی هیجانی، نگرش به مصرف مواد مخدر، گرایش به رفتارهای پرخطر، نوجوانان

* این پژوهش با حمایت مالی "دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر استان تهران" به انجام رسیده است.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روانشناسی بالینی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران پست الکترونیک: mokhtamia66@gmail.com

۲. دانشیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه مطالعات اعتیاد، انستیتو روانپزشکی تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۴. کارشناسی ارشد رشته راهنمایی و مشاوره، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

مقدمه

رفتارهای پرخطر به رفتارهایی اطلاق می‌شود که ایمنی فرد و در مواردی هم ایمنی سایر افراد را به خطر می‌اندازد، این نوع رفتارها به منظور تحریک هیجان و احساسات قوی و پرشور صورت می‌گیرد که در نوجوانان بسیار شایع است (بونینو، کاتلینو، سیایرانو، مک دونالد و جیسر^۱، ۲۰۰۵). جیسر (۲۰۱۴) با ارائه اصطلاح سندرم رفتار مشکل ساز^۲، مقولات رفتارهای پرخطر را شامل سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، الکل، رانندگی خطرناک و فعالیت جنسی زود هنگام دانسته است. دیکلمنت، هانسن و پونتون^۳ (۲۰۱۳) نیز رفتارهای پرخطر را به خشونت و پرخوری توسعه دادند و گرایش به این رفتارها را در بین نوجوانان مطرح ساختند.

صدمات و خسارت‌های جبران‌ناپذیر هر یک از رفتارهای پرخطر در نوجوانان و بالا بودن هزینه‌های زمانی و مالی اقدامات تغییر رفتار در سطح فردی و اجتماعی، آن را به یک بحران اجتماعی تبدیل کرده است (سلیمانی، جزایری و محمدخانی، ۱۳۸۰) و علاوه بر اینکه گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوان را مستعد اختلالات روانی می‌کند (سنائی‌نسب، ایرانی و رفعتی، ۱۳۸۸؛ بواسکی^۴، ۲۰۰۷) چنین رفتارهایی به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل مرگ و میر نوجوانان نیز به شمار می‌آید (صرامی، قربانی و مینوئی، ۱۳۹۲؛ ایتون، کان، کینچن، شانکلین، فلاینت و هاو کینز^۵، ۲۰۱۲). علاوه بر اینکه رفتارهای پرخطر برای سلامتی نوجوانان تأثیر نامطلوبی می‌گذارد، باعث می‌شود که ارتکاب حداقل یک‌بار به این نوع از رفتارها در طول نوجوانی، احتمال بروز سایر مشکلات و ناسازگاری‌های بزرگسالی را پیش‌بینی کند (کار گروه خدمات پیشگیرانه آمریکا^۶، ۲۰۱۰). همچنین طبق قاعده هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر^۷، گرایش به یک رفتار پرخطر احتمال بروز سایر رفتارهای پرخطر را نیز در نوجوان فراهم می‌سازد (زاده‌محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷). بیشتر صاحب‌نظران معتقد هستند که هرگونه شکست در مرحله رشدی نوجوانی احتمال به

1. Bonino, Cattelino, Ciairano, Mc Donald, & Jessor
2. Problem Syndrome Behavior
3. DiClemente, Hansen, & Ponton
4. Boesky

5. Eaton, Kann, Kinchen, Shanklin, Flint, & Hawkins
6. US preventive services task force
7. covariation of risk behaviors

دام افتادن در رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد، شاید به خاطر همین هست که این دوره را دوره بروز رفتارهای پرخطر می‌دانند یا لاقلاً افزایش این گونه از رفتارها را در این دوره مشهود می‌دانند (دیکلمنت و همکاران، ۲۰۱۳)؛ ایس، دل‌گیدیس، دیشون، فیگردو، گری و گریسکوویسیس^۱ (۲۰۱۲) بر این باورند که رفتار مخاطره‌آمیز نوجوانان پیش از آن که مربوط به مراحل رشدی باشد، انطباقی در جهت سازگاری با شرایط سخت زندگی است و در این انطباق، شخصیت و عوامل زیست‌محیطی نوجوان دخیل هستند. در این راستا دیکلمنت و همکاران (۲۰۱۳) اعتقاد دارند که اولین عوامل مؤثر در گرایش به رفتارهای پرخطر، عوامل روان‌شناختی هستند. یکی از مهم‌ترین عوامل روان‌شناختی ویژگی‌های شخصیت افراد است و هدف از بررسی شخصیت، پیش‌بینی رفتار است، تحقیقات نیز از مستعد بودن شخصیت در بروز رفتارهای ناسازگارانه و آسیب‌شناسی روانی کودکان و نوجوانان حمایت می‌کنند (اینگرام و پرایس^۲، ۲۰۰۱). تحقیقات نشان داده است که بین شخصیت و اختلالاتی مثل پرخاشگری، گرایش به رفتارهای پرخطر، اختلالات رفتاری و عاطفی، عدم تربیت صحیح کودکان، بزهکاری و مشکلات یادگیری، رابطه وجود دارد (برلاس و اگان^۳، ۲۰۰۶). برخی از ویژگی‌های شخصیتی افراد را مستعد رفتارهای خاصی می‌کنند، از بین ویژگی‌های شخصیتی در نوجوانان که رابطه نزدیکی با گرایش به رفتارهای پرخطر دارد، ویژگی بی‌ثباتی هیجانی است. بی‌ثباتی هیجانی به احساس اضطراب، افسردگی، نارضایتی و خشم نوجوانان اشاره دارد (باربارانلی، فیدا، پارسیلو، دی‌گیونتا و کاپرارا^۴، ۲۰۰۸). این افراد افکار غیرمنطقی دارند و کمتر قادر به کنترل تکانش‌های خود هستند و در کنار آمدن با شرایط استرس‌ضعیف عمل می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی که در ارتباط با اضطراب به شکل بی‌ثبات عمل کنند یا حالات روان‌نژند و شتاب‌زدگی داشته باشد، ارتباط مستقیمی با رفتارهای پرخطر دارند (کوریبا، هانسلی و دی‌زانیکا^۵، ۲۰۱۰؛ مهروف و گریفت^۶، ۲۰۱۰).

1. Ellis, Del Giudice, Dishion, Figueredo, Gray, & Griskevicius
 2. Ingram, & Price
 3. Barlas, & Egan

4. Barbaranelli, Fida, Paciello, Di Giunta, & Caprara
 5. Correa, Hinsley, & De Zuniga
 6. Mehroof, & Griffiths

علاوه بر روابط مستقیم بی ثباتی شخصیتی در بروز رفتارهای ناسازگارانه، عواملی نیز وجود دارد که به عنوان نقش میانجی در رابطه بین آن‌ها عمل می‌کنند، نگرش‌ها، یکی از عوامل واسطه‌ای در بین بنیان‌های شخصیتی و رفتار تلقی می‌شوند. کتل از نگرش‌ها به عنوان اساسی‌ترین مفهوم در صفات یاد کرد. وی معتقد است که نگرش‌ها عمل یا میل به عمل کردن در پاسخ به موقعیت خاصی است و معمولاً نگرش‌ها از سائق‌های فطری که ارگ^۱ نامیده می‌شوند، سرچشمه می‌گیرند و بین ارگ‌های صفات و نگرش‌ها، خرده هدف‌های میانی در جریان هستند؛ بنابراین نگرش‌ها سطوح بالایی صفات هستند که نمود پیدا می‌کنند (کتل^۱، ۱۹۸۳؛ ۱۹۹۰). آلپورت (۱۹۳۱) نیز معتقد است که نگرش‌ها قوام رفتار هستند و از طرفی هم با صفات شخصیتی افراد در ارتباط هستند؛ به طور کلی در رابطه با بروز رفتارهای پرخطر و نگرش به آن می‌توان بیان کرد که گرایش به رفتارهای پرخطر یک فرایند تدریجی است که با نگرش مثبت نسبت به آن شروع می‌شود که وجود نگرش‌های مثبت در مورد رفتارهای پرخطر، احتمال بروز این رفتار را بیشتر می‌کند (آلوی، ریسک‌ایند و مانوس^۳، ۲۰۰۵؛ بارلو و دوراند^۴، ۲۰۱۱). با اینکه نظریه‌ها و برخی مطالعات نشان می‌دهد که نگرش‌ها با رفتارها در ارتباط اند ولی تحقیقات روانشناسی اجتماعی نشان می‌دهد که تمامی نگرش‌ها به رفتار منتهی نمی‌شوند بلکه شرایطی دارد که نگرش‌ها به رفتار تبدیل بشوند (آیزن و فیشبین، ۱۹۷۱). در پژوهش حاضر نیز به عنوان یکی از اهداف پژوهش به این مورد پرداخته شده است که آیا نگرش خاص مانند نگرش به مصرف مواد در پیش‌بینی انواع رفتارهای پرخطر نقش دارد؟ و آیا شرایط تبدیل نگرش به رفتار در این متغیرها رعایت شده است؟ همچنین نظریه‌های صفات شخصیتی بر پیوند بین نگرش‌ها و شخصیت تأکید دارند. ولی پژوهش‌هایی در این زمینه صورت نگرفته یا حداقل توسط نویسنده یافت نشده است. در نتیجه یکی از سؤالاتی که این تحقیق به دنبال پاسخ‌دهی به آن است این است که آیا ویژگی بی‌ثباتی شخصیتی اثر مستقیمی بر نگرش‌های غیرمنطقی به مصرف مواد دارد؟ و چگونه چنین ویژگی‌ای بر نگرش به مصرف

1. erg
2. Cattell

3. Alloy, Riskind, & Manos
4. Barlow, & Durand

مواد تأثیر می‌گذارد؟ سومین مسئله‌ای که چالش پژوهش حاضر است الگویابی تبیین گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان بر اساس مدل مفهومی پژوهش است که آیا چنین مدل‌یابی دارای شاخص‌های برازش مناسبی است و داده‌های به دست آمده از چنین مدلی در واقعیت حمایت می‌کنند؟

روش

جامعه، نمونه، و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش توصیفی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش را دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه دوره اول و دوم شهرستان قدس استان تهران در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای می‌باشد. با این توضیح که پس از اخذ مجوز پژوهش از مدیریت آموزش و پرورش شهرستان قدس و دریافت اسامی کلیه مدارس، هشت آموزشگاه (۴ آموزشگاه پسرانه و ۴ آموزشگاه دخترانه) با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. در مرحله بعدی از هر کلاس به صورت تصادفی منظم ۱۰ نفر انتخاب شدند. برای انتخاب حجم نمونه پژوهش از قاعده "بیش تر بهتر است" در روش مدل‌یابی معادلات ساختاری پیروی شد (بومسما و هوگلند، ۲۰۰۱)؛ بنابراین در این پژوهش سعی شد که از حجم نمونه بالایی استفاده شود؛ بنابراین حجم نمونه ۶۴۴ نفر انتخاب شدند. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: داشتن سن ۱۷-۱۳ و تحصیل در یکی از مقاطع متوسطه دوره اول یا متوسطه دوره دوم. ملاک‌های خروج نیز عبارت بودند از: طلاق والدین، فوت مادر، فوت پدر. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای SPSS21 و LISREL8.8 استفاده شد. از مجموع نمونه پژوهش، ۴۶/۴ درصد پسر و ۵۳/۶ درصد دختر بودند. ۲۱/۱ درصد در متوسطه دوره اول و ۷۸/۹ درصد در متوسطه دوره دوم مشغول به تحصیل بودند. میانگین و (انحراف استاندارد) سن ۱۵/۴۲ (۱/۱۷) سال بود.

ابزار

۱. پرسشنامه خطرپذیری نوجوانان ایرانی^۱: این پرسشنامه توسط زاده محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) با بررسی ابزارهای معتبر در حوزه خطرپذیری همچون پرسشنامه خطرپذیری نوجوانان (گالونه، مور، موس و بوید^۲، ۲۰۰۰) و پرسشنامه سیستم کنترل رفتار پرخطر جوانان^۳ (برنر^۴ و همکاران، ۲۰۰۴) و با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و محدودیت‌های اجتماعی جامعه ایران ساخته شده است. دارای ۳۸ گویه برای سنجش آسیب‌پذیری نوجوانان در مقابل ۷ دسته رفتارهای پرخطر از قبیل گرایش به رانندگی پرخطر، خشونت، سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، رابطه و رفتار جنسی و گرایش به جنس مخالف است که پاسخگویان موافقت یا مخالفت خود را با این گویه‌ها در یک مقیاس ۵ گزینه‌ای از کاملاً موافق (=۵) تا کاملاً مخالف (=۱) بیان می‌کنند. سؤالات ۱ تا ۶ رانندگی پرخطر، سؤالات ۷ تا ۱۱ خشونت، سؤالات ۱۲ تا ۱۶ مصرف سیگار؛ سؤالات ۱۷ تا ۲۴ سؤالات مصرف مواد؛ سؤالات ۲۵ تا ۳۰ مصرف الکل؛ سؤالات ۳۱ تا ۳۴ گرایش به جنس مخالف و سؤالات ۳۵ تا ۳۸ خطرپذیری جنسی را اندازه‌گیری می‌کنند. نمره بالا در هر یک از عامل‌ها نشان‌دهنده خطرپذیری بالای نوجوان در آن عامل است. اعتبار آن به روش همسانی درونی و روایی سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی موردبررسی قرار گرفت. میزان آلفای کرونباخ برای مقیاس کل ۰/۹۳۸، سیگار کشیدن ۰/۹۳۱، مصرف مواد مخدر ۰/۹۰۶، مصرف الکل ۰/۹۰۷، رابطه و رفتار جنسی ۰/۸۵۶ و گرایش به جنس مخالف ۰/۸۰۹ گزارش شده است (زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷).

در پژوهش حاضر به غیر از عامل مصرف الکل و رفتار جنسی، تمامی عامل‌های پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. همچنین در پژوهش حاضر برای آزمایش مدل پنج عاملی از روش تحلیل عاملی تأییدی و روش برآورد بیشینه احتمال با استفاده از برازندگی داده‌ها استفاده شد. با توجه به نتایج شاخص‌ها، مدل پنج عاملی نشان‌دهنده برازش مناسب و

1. Iranian adolescents risk- taking scale
2. Gullone, Moore, Moss, & Boyd

3. Youth risk behavior survey
4. Brenner

باربارانلی، کاپرارا، راباسکا و پاستورلی (۲۰۰۳) باهدف اندازه گیری پنج عامل شخصیت بزرگ در سنین ۸ سال به بالاتر ساخته شده است و شامل پنج عامل اصلی برون گرایی/انرژی، توافق پذیری، وظیفه شناسی، بی ثباتی هیجانی و هوشمندی/باز بودن می شود. پاسخ دهی در مقیاسی ۵ درجه ای لیکرت انجام می شود. سؤالات ۴، ۶، ۸، ۱۵، ۱۷، ۲۹، ۳۱، ۳۹، ۴۱، ۴۹، ۵۴، ۵۸ و ۶۱ اشاره به بی ثباتی هیجانی دارند. موریس، مترز و دیدرن^۱ (۲۰۰۵) برای سنجش روایی همگرای آن از پرسش نامه شخصیتی نوجوانان آیزنگک^۲ و پرسش نامه توانایی ها و مشکلات^۳ استفاده کردند و همبستگی بالایی را بین عامل های مشابه گزارش دادند. مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای عامل برون گرایی/انرژی ۰/۷۸، توافق پذیری ۰/۸۰، وجدانی بودن ۰/۷۴، بی ثباتی هیجانی ۰/۸۳ و هوشمندی/باز بودن ۰/۷۱ گزارش شده است. طالبی (۱۳۹۳) نیز با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی چهار عامل برون گرایی، بی ثباتی هیجانی، هوشمندی و وظیفه شناسی را تأیید و ضریب آلفای کرونباخ را به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۸۳، ۰/۶۷ و ۰/۶۳ گزارش کردند. همچنین برای محاسبه روایی همگرا، رابطه معناداری بین عامل های پرسش نامه آیزنگک، مشکلات رفتاری آشنباخ و خود کارآمدی تحصیلی با پرسش نامه پنج عامل بزرگ شخصیت به دست آوردند. در پژوهش حاضر مقیاس بی ثباتی هیجانی با چهار بسته انتخاب شده است که برحسب انتخاب تصادفی، بسته اول شامل سؤالات ۸، ۱۷، ۵۸؛ بسته دوم شامل سؤالات ۳۱، ۴۹، ۵۴؛ بسته سوم شامل سؤالات ۶، ۲۹، ۱۵ و بسته چهارم شامل سؤالات ۴، ۶۱، ۳۹ بودند. همسانی درونی بسته ها مطلوب ارزیابی شد.

یافته ها

ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۱ ارائه شده است.

1. Muris, Meesters, & Diederick
2. Junior version of the Eysenck
personality questionnaire

3. strengths and difficulties questionnaire

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. بی‌ثباتی هیجانی	-										
۲. اثرات روانی مصرف مواد	۰/۲۰	-									
۳. اثرات فیزیولوژیکی مصرف مواد	۰/۱۳	۰/۸۷	-								
۴. اثرات اجتماعی مصرف مواد	۰/۱۳	۰/۳۶	۰/۳۹	-							
۵. اثرات مصرف مواد	۰/۰۸	۰/۴۰	۰/۴۲	۰/۳۸	-						
۶. خطرات مصرف مواد	۰/۱۵	۰/۳۸	۰/۳۴	۰/۳۰	۰/۷۰	-					
۷. راندگی پرخطر	۰/۲۷	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۱۹	۰/۲۲	۰/۲۷	-				
۸. خشونت	۰/۴۳	۰/۲۶	۰/۲۲	۰/۲۶	۰/۳۲	۰/۳۷	۰/۵۵	-			
۹. مصرف به مصرف سیگار	۰/۲۰	۰/۳۶	۰/۳۰	۰/۲۸	۰/۶۱	۰/۵۹	۰/۲۷	۰/۳۹	-		
۱۰. گرایش به مصرف مواد	۰/۱۶	۰/۳۵	۰/۳۲	۰/۲۷	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۳۰	۰/۴۴	۰/۶۷	-	
۱۱. گرایش به جنس مخالف	۰/۱۸	۰/۲۰	۰/۱۷	۰/۱۳	۰/۲۳	۰/۲۲	۰/۴۰	۰/۳۹	۰/۲۵	۰/۲۶	-
میانگین	۳۴/۷۹	۱۹/۰۴	۱۶/۳۸	۴/۴۳	۱۴/۹۹	۱۵/۰۸	۱۷/۹۲	۱۱/۱۹	۶/۸۵	۱۰/۶۹	۱۱/۰۴
انحراف استاندارد	۹/۲۲	۷/۶۳	۶/۵۰	۲/۱۷	۵/۵۶	۵/۲۹	۵/۳۵	۴/۴۵	۳/۲۸	۳/۹۴	۴/۶۵

مقادیر همبستگی بالای ۰/۱۲ در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار است.

برای ارزیابی مدل نظری پژوهش از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. تمامی مفروضه‌های مربوط به مدل‌یابی مورد بررسی قرار گرفت که با توجه به رد شدن فرضیه نرمال بودن در تعدادی از متغیرها از روش برآورد مقاوم^۱ در برابر نقض نرمال بودن استفاده شد. بنابراین قبل از درخواست محاسبه برازش مدل، روش برآورد مقاوم در ماتریس کواریانس مجانبی انتخاب شد. همچنین نتایج نرم‌افزار لیزرل و برازش یافتن مدل‌های ساختاری نشان داد که پیش‌فرض‌های «مدلی بیش از حد مشخص شده» و «عدم هم‌خطی چندگانه» بین متغیرها نیز رعایت شده است. علاوه بر این شاخص‌های عامل تورم واریانس با مقدار $VIF > ۵$ و آماره تحمل بالای ۰/۱ برای متغیرهای پیش‌بین به دست آمد که نشان‌دهنده عدم هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین بود (کرانی و سرلس^۲،

۲۰۰۲). پیش فرض مربوط به متغیرهای مشاهده شده چندگانه نیز در مرحله مدل اندازه گیری (تحلیل عاملی تأییدی) رعایت شد. همچنین پیش فرض مربوط به خطی بودن رابطه بین متغیرها بر اساس ماتریس کواریانس و همبستگی از طریق نمودار پراکنندگی^۱ بررسی و تأیید شد. همچنین مفروضه‌ی فاصله‌ای بودن مقیاس اندازه گیری با توجه به ماهیت داده‌ها مورد تأیید قرار گرفت. در ضمن با در نظر گرفتن این نکته که داده‌های از دست رفته و داده‌های دورافتاده^۲ می‌توانند ماتریس واریانس-کواریانس میان متغیرها و تحلیل مدل‌سازی معادله ساختاری را تحت تأثیر قرار دهند، در پژوهش حاضر در رابطه با این داده‌ها از شیوه حذف لیستی^۳ استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۱ گزارش شده تمامی متغیرها به جز رابطه ویژگی شخصیتی بی ثباتی هیجانی با اثرات مصرف مواد در سطح $p < 0/001$ معنادار است. برای برآورد مدل از روش حداکثر درست‌نمایی به شیوه مقاوم استفاده شد و سپس مدل از طریق نرم‌افزار لیزرول اجرا شد. مدل حاصل از اجرای تحلیل، با ضرایب استاندارد شده و روابط بین متغیرها در شکل ۱ ارائه شده است. در شکل ۱ پارامترهای ضرایب مسیر در مدل ساختاری که همان ضرایب بتا در معادله‌ی رگرسیون هستند، گزارش شده است. همچنین ضرایب بار عاملی استاندارد شده همبستگی بین متغیرهای مکنون با نشانگرها (متغیرهای مدل اندازه گیری شده) آمده است. تمامی مسیرهای مدل نیز در سطح $p < 0/001$ معنادار است. در جدول ۲ نتایج حاصل از برازش مدل ارائه شده است.

جدول ۲: شاخص‌های مطلق، نسبی و ایجازی برازش مدل

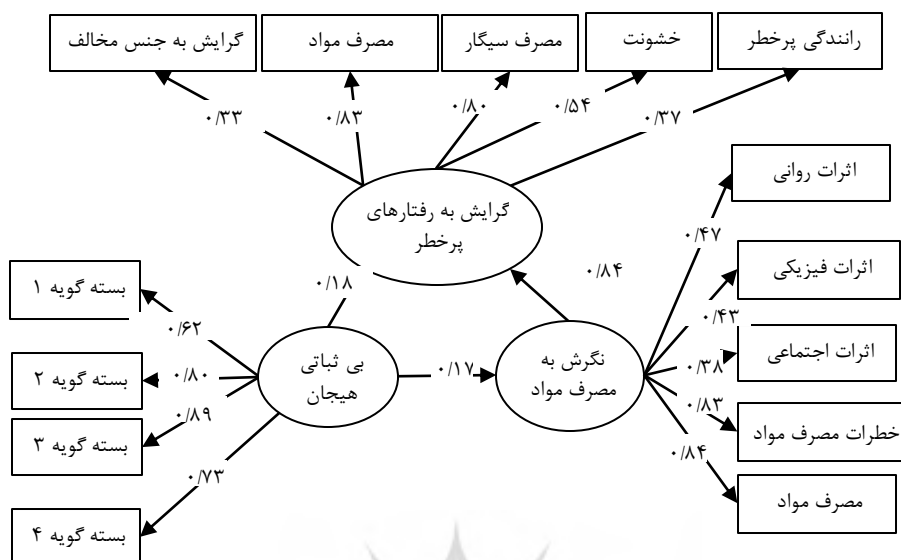
مجدورکای ^۴	درجه آزادی	نیکویی برازش ^۵	نیکویی برازش تعدیل یافته ^۶	برازش تطبیقی ^۷	ریشه دوم میانگین مجذورات خطای تقریب ^۸	ریشه دوم میانگین مجذورات باقیمانده استاندارد شده ^۹
۱۶۱/۶۶	۶۳	۰/۹۶	۰/۹۴	۰/۹۸	۰/۰۴۹	۰/۰۶۷

1. Scatter Plot
2. outliers
3. listwise
4. Satorra-Bentler Scaled Chi-Square (S² B 2)
5. Goodness of Fit

6. Adjusted Goodness of Fit
7. Comparative Fit Index
8. Root Mean Square Error of Approximation
9. Standardized Root Mean Square Residual

طبق جدول ۲ مقدار مجذور کای ۱۶۱/۶۶ معنادار به دست آمد. شاخص مجذور کای ساتورا- بنتلر زمانی که فرضیه‌های توزیع خدشه‌دار است به‌عنوان شاخص تصحیح آماره مجذور کای به کار می‌رود در این پژوهش نسبت شاخص ساتورا- بنتلر به درجه آزادی کمتر از ۳ به دست آمد ($S^{\circ} B^2/df=۲/۵۶$) که حاکی از برازش مناسب مدل است؛ مقدار شاخص ریشه دوم میانگین مجذورات خطای تقریب کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد که نشان‌دهنده برازش مطلوب و مناسب مدل است. این شاخص متوسط باقیمانده‌های بین کواریانس/همبستگی مشاهده شده از نمونه و مدل مورد انتظار برآورده شده برای جامعه را نشان می‌دهد. همچنین مقدار ریشه دوم میانگین مجذورات باقیمانده استاندارد شده هرچقدر به صفر نزدیک باشد به همان مقدار مدل برازش بهتری دارد.

شاخص نیکویی برازش ۰/۹۶ گزارش شد؛ این شاخص از نظر مفهومی به R^2 در رگرسیون نزدیک است و طبق قاعده اگر شاخص نیکویی برازش بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۹۰ باشد مدل از نظر علمی قابل قبول محسوب می‌شود. در شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته ایجازی که در رابطه با ایجاز بودن مدل اطلاعاتی را گزارش می‌دهد که مقدار ۰/۹۴ به دست آمده از این شاخص، قابل قبول بودن مدل را نشان می‌دهد و هر چه بیشتر از ۰/۹۰ باشد نشان از برازش بهتر مدل است. همچنین مقدار شاخص برازش تطبیقی به دست آمده، بالاتر از ۰/۹۰ است که نشان‌دهنده برازش قابل قبول بین مدل و داده‌هاست (میرز، گامست و گارینو، ۱۳۹۱). بنابراین شاخص‌های برازش مدل به‌طور کلی نشان دادند که داده‌های گردآوری شده به‌اندازه قابل قبولی از مدل پژوهش حمایت می‌کنند. پس از قابل قبول بودن مدل، نتایج به دست آمده از مسیرهای مدل مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.



شکل ۱: روابط بین متغیرهای درون‌زا و برون‌زای مدل همراه با ضرایب استاندارد شده

جدول ۳: شاخص‌های اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کلی هریک از مسیرها بر اساس مدل نظری

آماره t	خطای استاندارد برآورد	نوع اثر	مسیر		
			متغیر وابسته	متغیر میانجی	متغیر مستقل
۴/۱۱	۰/۰۴	اثر مستقیم	گرایش به رفتارهای پرخطر	-	بی‌ثباتی هیجانی
۲/۸۴	۰/۰۳	اثر غیرمستقیم	گرایش به رفتارهای پرخطر	نگرش به مصرف مواد	بی‌ثباتی هیجانی
۴/۴۱	۰/۰۷	اثر کلی	گرایش به رفتارهای پرخطر	نگرش به مصرف مواد	بی‌ثباتی هیجانی
۳/۰۶	۰/۰۶	اثر مستقیم	نگرش به مصرف مواد	-	بی‌ثباتی هیجانی
۷/۱۶	۰/۱۲	اثر مستقیم	گرایش به رفتارهای پرخطر	-	نگرش به مصرف مواد

با توجه به نتایج جدول ۳ ویژگی بی‌ثباتی هیجانی بر گرایش به رفتارهای پرخطر اثر مستقیم دارد، همچنین با توجه به مقدار آزمون معناداری اثر مستقیم، غیرمستقیم و اثر کلی نقش میانجی نگرش به مصرف مواد تأیید می‌شود. علاوه بر گزارش‌های جدول ۳، در مدل پژوهش حاضر نگرش به مصرف مواد نیز با مقدار بتای استاندارد شده ۰/۸۴ و خطای استاندارد ۰/۱۲ با در نظر گرفتن مقدار آزمون معناداری ۷/۱۶ بر روی گرایش به رفتارهای

پرخطر نوجوانان اثر مستقیم دارد. همچنین ویژگی شخصیتی بی‌ثباتی هیجانی با بتای استاندارد ۰/۱۷، خطای استاندارد ۰/۰۶ و مقدار ۳/۰۶ آزمون معناداری بر نگرش به مصرف مواد اثر مستقیم گذاشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج شاخص‌های به دست آمده در قسمت یافته‌ها نشان داد که مدل مفهومی یک مدل مناسب و مطلوبی است که دارای مقدار بالای واریانس تبیین شده برای پیش‌بینی متغیر ملاک می‌باشد. به عبارت دیگر ساختار مدل و متغیرهای پژوهش اثر قابل ملاحظه‌ای بر گرایش به رفتارهای پرخطر داشتند. بیشتر تحقیقات در حوزه روان‌شناسی اجتماعی از ضد و نقیض بودن اثرات نگرش‌ها بر بروز رفتارها گزارش داده‌اند. در بسیاری از مطالعات اولیه شواهدی که نشان دهد بین نگرش و رفتار رابطه‌ای نزدیک وجود دارد به دست نیامد (بوهنر، ۲۰۰۲). از این رو، بعضی پژوهشگران پیشنهاد کردند پژوهش درباره سازه نگرش به‌طور کلی کنار گذاشته شود؛ اما دیگر پژوهشگران به جای آن که پژوهش در زمینه مفهوم نگرش را کنار بگذارند، کوشیدند شرایط مؤثر بر رابطه بین نگرش و رفتار را مشخص نمایند (آیزن، ۲۰۰۱). در این راستا، آن‌ها مسائل روش‌شناختی و عوامل دخیل در این زمینه را مشخص کردند. به گفته آیزن و فیشبین (۱۹۷۳) فقط در صورتی باید انتظار داشت بین نگرش و رفتار رابطه‌ای تنگاتنگ وجود داشته باشد که هر دو مقیاس (نگرش و رفتار) از نظر میزان اختصاصی بودن باهم تناسب و هماهنگی داشته باشند. در پژوهش حاضر بین نگرش به مصرف مواد مخدر و متغیر نشانگر گرایش به مصرف مواد رابطه تنگاتنگی وجود دارد ولی چالش و سؤال دیگری نیز در چگونگی رابطه بین نگرش به اعتیاد و سایر رفتارهای پرخطر مثل رانندگی پرخطر، خشونت، مصرف سیگار و گرایش به جنس مخالف مطرح می‌شود که به عنوان متغیر مکنون گرایش به رفتارهای پرخطر در پژوهش حاضر در نظر گرفته شد، با در نظر گرفتن دو دیدگاه می‌توان به این سؤال جواب داد. نگرش‌ها با طرح‌واره‌ها در ارتباط هستند، به نظر می‌رسد افرادی که نگرش مثبت به مصرف مواد مخدر دارند، به‌طور کلی طرح‌واره‌های آن‌ها نسبت به رفتارهای پرخطر از شناخت غیرمنطقی، برخوردار است. این افراد احتمال دارد چنین فکر کنند که "رفتارهای

پرخاطر بسیار آسیب‌زانیستند"، "چون لذت دارند ارزش تجربه کردن را دارند" یا "من بسیار قوی هستم و در مقابل این رفتارهای آسیب‌پذیر نیستم". شاید به این دلیل است که استروم (۱۹۹۰) معتقد است یک نگرش تنها به یک پاسخ منجر نمی‌شود، بلکه در بیشتر رفتارهای متفاوت افراد منعکس می‌شود. دومین تبیین شامل اصل هم‌وقوعی رفتارهای پرخاطر است. زمانی که فرد به یک رفتار پرخاطر نگرش مثبت پیدا می‌کند به احتمال زیاد رفتارهای پرخاطر دیگری را نیز تجربه خواهد کرد.

مقدار معنادار بتا نشان داد که رابطه ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان و گرایش به رفتارهای پرخاطر در مدل مفهومی معنادار نمی‌باشد. بنابراین داده‌ها مسیر ویژگی بی‌ثباتی شخصیتی نوجوانان به سمت گرایش به رفتارهای پرخاطر را در مدل تدوین شده، حمایت کردند؛ این یافته با نتایج پژوهش‌های مامی، احدی، نادری، عنایتی و مظاهری (۱۳۹۱)، سلیمانی، حسنی و آریانا کیا (۱۳۹۳)، گالن و موری (۲۰۰۰) و سایدرز، فلوری، راینر و اسمیت^۱ (۲۰۰۹) همسو است. مهم‌ترین ویژگی صفات شخصیتی پیش‌بینی رفتارها و گرایش‌های افراد است؛ بنابراین ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی‌کننده‌ی مناسبی برای گرایش به رفتارهای پرخاطر هستند. همان‌طور که آلپورت (۱۹۳۸) بیان کرده، صفات یک سازه واقعی هستند که با رفتار معین بروز پیدا می‌کنند. در این دیدگاه، صفات حالت مفعول ندارند و منتظر نمی‌مانند تا نیروهای محرکه‌ای آن‌ها را به حرکت در آورند؛ بلکه آن‌ها انسان را برمی‌انگیزانند تا به جستجوی محرک‌های محیط بروند و خود را نمایان سازند؛ بنابراین ویژگی‌های شخصیتی، پیش‌بینی‌کننده‌ی مناسبی برای گرایش به رفتارهای پرخاطر در نوجوانان هستند. نظریه‌های صفات شخصیتی، عامل روان‌رنجوری - که در این پژوهش تحت عنوان بی‌ثباتی هیجانی مورد مطالعه قرار گرفت - را به عنوان پیش‌بینی‌کننده گرایش به رفتارهای پرخاطر می‌دانند (فیست و فیست، ۲۰۰۸). همچنین به اعتقاد کارنی و بردبری^۳ (۱۹۹۷) ویژگی‌های شخصیتی همچون بی‌ثباتی هیجانی و نوروژگرای آسیب‌پذیری‌های دائمی را به دنبال دارند، آسیب‌هایی که معطوف به خود و حتی دیگران است. اضطراب

1. Cyders, Flory & Rainer
2. Feist & Feist

3. Karney & Bradbury

همان عامل روان رنجوری و یا بی ثباتی هیجانی) نکته اشتراک دیدگاه فروید و رویکرد صفات است. هر دوی این دیدگاه‌ها بر اهمیت اضطراب در شکل‌گیری رفتار تأکید دارند. افرادی که در این عامل نمره بالایی می‌گیرند معمولاً واکنش هیجانی مفرط نشان می‌دهند و بعد از برانگیختگی هیجانی، مشکل می‌توانند به حالت طبیعی برگردند، این تحریک‌پذیری پیش‌بینی‌کننده گرایش به انواع رفتارهای پرخطر است. از طرفی یکی دیگر از ویژگی‌های این افراد شتاب‌زدگی است، بنابراین در کنترل هوس‌ها و امیال (به عنوان مثال سیگار کشیدن) بسیار ناتوان‌اند. در نظر این افراد امیال به حدی قوی هستند که فرد نمی‌تواند در جلوی آن‌ها مقاومت کند اگرچه ممکن است که از رفتار خود پشیمان شوند (وایت ساید و لای نیم، ۲۰۰۱؛ آیزنگ و آیزنگ، ۱۹۷۷). علاوه بر این تبیین‌ها، می‌توان بیان کرد که بی‌ثباتی هیجانی تمایل عمومی به تجربه هیجان‌های منفی از قبیل خشم، ترس و تکانشگری است، به طوری که بسیاری از معتادان در برابر دلایل گرایش به مصرف مواد مخدر تجربه آزرده‌گی، خشم و ترس را اظهار می‌کنند (کاملی، جاجرمی، عابدی و کاملی، ۱۳۹۳). افرادی که نمره بالایی را در این عامل به دست می‌آورند از یک سو حوادث استرس‌زای بیشتری را تجربه می‌کنند و از سوی دیگر، صرف‌نظر از سطح استرس، برای تجربه‌ی هیجان‌های منفی و درماندگی مستعد هستند؛ بنابراین آمادگی برای تجربه حوادث استرس‌زا و تجربه هیجان‌های منفی، این افراد را در مقابله با رویدادهای استرس‌زانا کارآمد می‌کند (علیلو، ارجی، بخشی‌پور و شاهجویی، ۱۳۹۰) در این صورت نمی‌توانند دست به حل مسئله بزنند و عدم حل مسئله، احتمال بروز رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد. همان‌طور که گفته شد بی‌ثباتی هیجانی یک تمایل طبیعی به تکانشی عمل کردن است، این افراد پاداش‌های آنی را به پاداش‌های آتی ترجیح می‌دهند؛ بنابراین آن‌ها گرایش بیشتری به مصرف سیگار و مواد مخدر یا به جنس مخالف دارند؛ زیرا علاوه بر اینکه لذت آنی برایشان دارد برای کاهش اضطراب خود نیز راهکار مناسبی می‌دانند. تحقیقات نیز نشان می‌دهند، این افراد به این دلیل به مصرف سیگار و یا مواد مخدر گرایش دارند که از این طریق می‌توانند احساسات منفی خود را کنترل کنند. همچنین تحقیقات

نشان می‌دهد افرادی که نمره بی‌ثباتی هیجانی بالایی به دست می‌آورند، شناخت‌ها و هیجان‌های غیرمنطقی دارند. این افراد در انتخاب رفتار خود منطقی فکر نمی‌کنند و شتاب‌زده عمل می‌کنند. در این مورد شواهدی وجود دارد که نوجوانان عواقب کمتری را در رفتار و تصمیمات خود لحاظ می‌کنند؛ بنابراین نوجوان دارای ویژگی بی‌ثباتی هیجانی، بیشتر خطرات را دست‌کم می‌گیرد (میشرا و لالومیه، ۲۰۱۱).

همچنین نتایج نشان داد نگرش به مصرف مواد مخدر نقش میانجی در رابطه با ویژگی شخصیتی بی‌ثباتی هیجانی و گرایش به رفتارهای پرخطر دارد. برای تبیین این سؤال نیاز بود که تمامی مسیرهای تدوین شده در مدل مورد تبیین قرار گیرند. بنابراین اثر مستقیم بی‌ثباتی شخصیتی بر گرایش به مصرف مواد مخدر بحث شد، همچنین اثر متغیر نگرش به مصرف مواد مخدر بر گرایش به رفتارهای پرخطر مورد تبیین قرار گرفت. با توجه به اینکه پیشینه تحقیقاتی در این رابطه یافت نشد می‌توان برای توصیف و تبیین این یافته از دیدگاه کتل، آیزنگ و آلپورت استفاده کرد. به اعتقاد کتل (۱۹۹۰) نگرش‌ها سطوح بالای صفات هستند که نمود پیدا می‌کنند. در صورت در نظر گرفتن این دیدگاه می‌توان این یافته را این‌گونه تبیین کرد که نگرش‌ها همسو با صفات شخصیتی نیازهای سائق‌ها را ارضا می‌کنند؛ بنابراین به نظر می‌رسد، افرادی که بی‌ثباتی هیجانی دارند از طریق نگرش مثبت به مصرف مواد و گرایش به آن سمت، نیاز اصلی خود را برای کاهش اضطراب و تنش مرتفع می‌کنند. همچنین این یافته را می‌توان از دیدگاه آیزنگ و آیزنگ (۱۹۸۱) به شخصیت تبیین کرد، در دیدگاه سلسله مراتبی سازمان‌دهی رفتار آیزنگ، نگرش به اعتیاد می‌تواند سطح چهارم این فرآیند باشد که با صفات شخصیتی که در سطح دوم هستند در ارتباط است. با این توضیح که عامل ارتباط این فرآیند، سطح سوم سازمان‌دهی رفتار است که شناخت‌ها و افکار عادی افراد را شامل می‌شود؛ بنابراین نگرش مثبت به اعتیاد می‌تواند به عنوان یک مشخصه افراد بی‌ثبات هیجانی باشد که در بیشتر موقعیت‌های زندگی، شناخت‌ها و هیجان‌های منفی را تجربه می‌کنند بنابراین نگرش‌های منطقی یا غیرمنطقی افراد را نیز می‌توان از طریق صفات شخصیتی پیش‌بینی کرد. به نظر می‌رسد افرادی که

ویژگی بی‌ثباتی هیجانی دارند، نگرش‌های غیرمنطقی به اثرات مصرف مواد دارند. این افراد شناخت‌ها و ادراک‌های منفی به موضوعات دارند و کمتر از تبیین‌های عقلانی در برخورد با مسائل و موضوعات استفاده می‌کنند. همچنین این نتایج از دیدگاه کریمی، عبدالله‌پور و کرد (۱۳۹۱) حمایت می‌کند. آن‌ها اعتقاد دارند که نگرش‌ها مشابه صفات شخصیتی به عنوان یک سازه‌ای هستند که تفاوت‌های فردی را منعکس می‌کنند و با صفات پنج‌عاملی بزرگ شخصیت دارای واریانس مشترکی هستند که یکسری از تفاوت‌های فردی را پیش‌بینی می‌کنند.

به طور کلی نتایج پژوهش حاضر نشان داد که چگونه عامل بی‌ثباتی هیجانی به عنوان مهم‌ترین عامل درون فردی در کنار متغیرهای نگرش به مصرف مواد می‌تواند گرایش به رفتارهای پرخطر را در نوجوانان پیش‌بینی کند، بنابراین مدل پژوهش با در نظر گرفتن روابط بین متغیرها تدوین شد که نتایج نشان دادند که داده‌های به دست آمده از پژوهش، از این مدل حمایت می‌کنند. همچنین پژوهش حاضر نشان داد که چگونه متغیر نگرش به مصرف مواد مخدر در نقش متغیر میانجی در رابطه با بی‌ثباتی هیجانی و گرایش به رفتارهای پرخطر تأثیر دارد. با اینکه مدل حاضر بیشترین ضریب تعیین را در پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد داشت ولی متغیرهای پیش‌بین تنها عوامل فردی و روان‌شناختی را در پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد مخدر در نظر گرفته بود؛ بنابراین خلأ پژوهشی در این رابطه وجود دارد. در نتیجه به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود عوامل زیست-محیطی را نیز در کنار عوامل فردی و روان‌شناختی مورد بررسی قرار دهند و مقادیر شاخص‌های برازش را در دو نوع مدل مقایسه قرار دهند. همچنین به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن این مدل، یک برنامه درمانی برای تغییر نگرش‌ها تدوین گردد و در مطالعات آزمایشی و شبه‌آزمایشی اثرات آن را در کاهش بروز رفتارهای پرخطر مورد بررسی قرار دهند. عدم بررسی تغییرناپذیری در دو جنس و عدم کنترل نقش جنسیتی فرزندان می‌تواند نتایج این پژوهش را تحت تأثیر قرار بدهند؛ بنابراین این مورد می‌تواند یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر باشد. همچنین با توجه به اینکه ابزار نگرش به مصرف مواد و گرایش به رفتارهای پرخطر از ابزارهایی است که شرکت کنندگان احتمال

دارد در تکمیل آن محتاطانه عمل کنند، این رفتار باعث تحت تأثیر قرار گرفتن روایی پژوهش می‌شود.

منابع

- دلاور، علی؛ علیزاده، ابراهیم و رضایی، علی محمد (۱۳۸۳). میزان شیوع ناامنی در کانون خانواده و رابطه آن با نگرش به مواد مخدر. *دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس*، ۱(۳)، ۵۸-۸۴.
- رضایی، علی محمد؛ دلاور، علی و نجفی، محمود (۱۳۹۱). ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه نگرش سنج مواد مخدر در دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی و مقطع متوسطه کشور. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۶(۲۴)، ۵۴-۳۷.
- زاده‌محمدی، علی؛ احمدآبادی، زهره و حیدری، محمود (۱۳۹۰). تدوین و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۷(۳)، ۲۱۸-۲۲۵.
- زاده‌محمدی، علی؛ و احمدآبادی، زهره (۱۳۸۷). هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های تهران. *خانواده پژوهی*، ۴(۱۳)، ۸۷-۱۰۰.
- سلمانی، بهزاد؛ حسنی، جعفر و آریاناکیا، المیرا (۱۳۹۳). بررسی نقش صفات شخصیتی در رفتارهای پرخطر. *تازه‌های علوم شناختی*، ۱۶(۱)، ۱-۱۰.
- سلیمانی، لیلا؛ جزیری، علیرضا؛ و محمدخانی، پروانه (۱۳۸۰). نقش سلامت روان در ظهور رفتارهای پرخطر نوجوانان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵(۱۹)، ۷۵-۹۰.
- سنائی‌نسب، هرمز؛ ایرانی، قدرت‌اله؛ و رفعتی، حسن (۱۳۸۸). بررسی فراوانی و عوامل مؤثر بر تصادفات رانندگی در یک مرکز نظامی در تهران. *مطالعات مدیریت انتظامی*، ۱(۴)، ۱۹-۳۰.
- صرامی، حمید؛ قربانی، مجید؛ و مینوئی، محمود (۱۳۹۲). بررسی چهار دهه تحقیقات شیوع‌شناسی اعتیاد در ایران. *اعتیاد پژوهی*، ۷(۲۶)، ۲۹-۵۲.
- طالبی، مریم (۱۳۹۳). تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه پنج‌عاملی شخصیت فرم نوجوانان (BFQC). پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
- علیلو، مجید؛ ارجی، اکرم؛ بخشی‌پور، عباس و شاهجویی، تقی (۱۳۹۰). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و راهبرد مقابله‌ای در معنادان مبتلا به HIV مثبت. *مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز*، ۳۳(۱)، ۷۶-۷۰.
- کاملی، دنیا؛ حجت، سید کاوه؛ جاجرمی، محمود؛ عابدی، عبدالعلی؛ و کاملی، طیبه (۱۳۹۳). مقایسه مؤلفه‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای در مردان مبتلا به اعتیاد به مواد مخدر و افراد غیر معتاد. *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*، ۵(۴)، ۸۱۳-۸۱۹.
- کریمی، کیومرث؛ عبدالله‌پور، آزاد؛ و کرد، بخمن (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین پنج‌عاملی بزرگ شخصیت و نگرش‌های صمیمانه. *همایش شخصیت و زندگی نوین*، دانشگاه سندج.

مامی، شهرام؛ احدی، حسن؛ نادری، فرح؛ عنایتی، میرصلاح الدین؛ و مظاهری، محمد مهدی (۱۳۹۱). پیش‌بینی مدل گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان متوسطه شهر ایلام بر اساس عوامل شخصیتی (NEO). *مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۲۱(۶)، ۲۴۸-۲۵۶.

میرز، لاورنس اس؛ گامست، گلن؛ و گارینو، اجی (۲۰۰۶). روش‌های پژوهش چند متغیره کاربردی: طرح، تحلیل و تفسیر. ترجمه حسن پاشا شریفی، ولی‌الله فرزاد، سیمین دخت رضاخانی، حمیدرضا حسن‌آبادی، بلال ایزنلو و مجتبی حبیبی (۱۳۹۱). تهران: انتشارات رشد.

هومن، حیدر علی (۱۳۹۳). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل (با اصلاحات)*. تهران: انتشارات سمت.

Adelheid, A. N., & Penny, M. P. (2012). *Presenting Your Findings: A Practical Guide for Creating Tables*. Washington, DC: American Psychological Association.

Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational behavior and human decision processes*, 50(2), 179-211. DOI: 10.1016/0749-5978(91)90020-T.

Ajzen, I. (2001). Nature and operation of attitudes. *Annual review of psychology*, 52(1), 27-58.

Ajzen, I., & Fishbein, M. (1973). Attitudinal and normative variables as predictors of specific behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 27(1), 41-57.

Allport, G. W. (1931). What is a trait of personality? *The Journal of Abnormal and Social Psychology*, 25(4), 368-372.

Barbaranelli, C., Caprara, G. V., Rabasca, A., & Pastorelli, C. (2003). A questionnaire for measuring the Big Five in late childhood. *Personality and Individual Differences*, 34(4), 645-664.

Barbaranelli, C., Fida, R., Paciello, M., Di Giunta, L., & Caprara, G. V. (2008). Assessing personality in early adolescence through self-report and other-ratings a multi trait-multi method analysis of the BFQ-C. *Personality and Individual Differences*, 44(4), 876-886.

Barlas, J., & Egan, V. (2006). Weapons carrying in British teenagers: The role of personality, delinquency, sensational interests, and mating effort. *The Journal of Forensic Psychiatry & Psychology*, 17(1), 53-72.

Barlow, D., & Durand, V. (2011). *Abnormal psychology: An integrative approach*. California: Cengage learning.

Boesky, L. (2007). *When to worry: How to tell if your teen needs help-and what to do about it*. New York, NY: Amacom.

Bohner, G. (2002). *Attitudes and attitude change*. United Kingdom: Psychology Press.

Bonino, S., Cattellino, E., Ciairano, S., Mc Donald, L., & Jessor, R. (2005). *Adolescents and risk: Behaviors, functions, and protective factors*. New York, NY: Springer.

Cattell, R. B. (1983). *Structured personality-learning theory: A holistic multivariate research approach*. New York, NY: Praeger Publishers.

Cattell, R. B. (1990). *Advances in Cattellian personality theory*. New York, NY: Guilford Press.

Correa, T., Hinsley, A. W., & De Zuniga, H. G. (2010). Who interacts on the Web? The intersection of users' personality and social media use. *Computers in Human Behavior*, 26(2), 247-253.

- Cyders, M. A., Flory, K., Rainer, S., & Smith, G. T. (2009). The role of personality dispositions to risky behavior in predicting first-year college drinking. *Addiction, 104*(2), 193-202.
- Diclemente, R. J., Hansen, W. B., & Ponton, L. E. (Eds). (2013). *Handbook of adolescent health risk behavior*. New York, NY: Springer Science & Business Media.
- Eaton, D. K., Kann, L., Kinchen, S., Shanklin, S., Flint, K. H., Hawkins, J., ... & Whittle, L. (2012). Youth risk behavior surveillance-United States, 2011. *Morbidity and mortality weekly report. Surveillance Summaries, 61*(4), 1-162.
- Ellis, B. J., Del Giudice, M., Dishion, T. J., Figueredo, A. J., Gray, P., Griskevicius, V., & Wilson, D. S. (2012). The evolutionary basis of risky adolescent behavior: implications for science, policy, and practice. *Developmental psychology, 48*(3), 598-623.
- Eysenck, S. B., & Eysenck, H. J. (1977). The place of impulsiveness in a dimensional system of personality description. *British Journal of Social and Clinical Psychology, 16*(1), 57-68.
- Feist, J., & Feist, G. J. (2008). *Theories of personality*. Edisi Keenam. Alih Bahasa: Yudi Santoso. Yogyakarta: Pustaka Pelajar.
- Gullone, E., & Moore, S. (2000). Adolescent risk-taking and the five-factor model of personality. *Journal of adolescence, 23*(4), 393-407.
- Gullone, E., & Moore, S. (2000). Adolescent risk-taking and the five-factor model of personality. *Journal of adolescence, 23*(4), 393-407.
- Jessor, R. (2014). Problem Behavior Theory: A half century of research on adolescent behavior and development. In R. M., Lerner, A. C., Petersen, R. K., Silbereisen, & J. Brooks-Gunn, (Eds.). *The developmental science of adolescence: History through autobiography*. New York: Psychology Press. Pp. 239-256.
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (1997). Neuroticism, marital interaction, and the trajectory of marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology, 72*(5), 1075-1092.
- Mehroof, M., & Griffiths, M. D. (2010). Online gaming addiction: the role of sensation seeking, self-control, neuroticism, aggression, state anxiety, and trait anxiety. *Cyber Psychology, Behavior, and Social Networking, 13*(3), 313-316.
- Mishra, S., & Lalumière, M. L. (2011). Individual differences in risk-propensity: Associations between personality and behavioral measures of risk. *Personality and Individual Differences, 50*(6), 869-873.
- Muris, P., Meesters, C., & Dideren, R. (2005). Psychometric properties of the Big Five Questionnaire for Children (BFQ-C) in a Dutch sample of young adolescents. *Personality and Individual Differences, 38*(8), 1757-1769.
- Nunnally, J. C., & Bernstein, I. H. (1994). *Psychometric theory (3rd ed)*. New York, NY: McGraw-Hill, Inc.
- Price, J. M., & Ingram, R. E. (2001). Future directions in the study of vulnerability to psychopathology. *Vulnerability to psychopathology: Risk across the Lifespan, 2*, 497-510.
- US Preventive Services Task Force. (2010). *The guide to clinical preventive services 2010-2011: Recommendations of the US Preventive Services Task Force*. Agency for Healthcare Research and Quality (US).
- Whiteside, S. P., & Lynam, D. R. (2001). The five factor model and impulsivity: Using a structural model of personality to understand impulsivity. *Personality and Individual Differences, 30*(4), 669-689.